

کارگران و موقعیت حساس کنونی

یداله خسروی

سه شنبه ۲۶ خرداد ۱۳۸۸

نمایش انتصابی ریاست جمهوری اسلامی با کودتای رهبری اسلامی در جهت تصفیه حساب نهایی رقبای حکومتی اش و مطلق شدن حاکمیت جناحی بر جناحی دیگر نظام، به وضعیتی رسیده که پرده ها دریده شده و رویارویی علنی جناح ها فرصتی به مردم داده تا با تظاهرات خیابانی خشم خفته خود را به اشکال گوناگون و شعارهایی همچون، مرگ بر دیکتاتور، دیکتاتور حیا کن سلطنت را رها کن، سید علی پینوشه ایران شیلی نمی شه، علی، احمد پینوشه، ایران شیلی نمی شه و یا مرگ بر این دولت مردم فریب به نمایش گذارند. این تظاهرات ها که در اکثریت شهرهای مهم برپا شده، یادآور گوشه ای از انقلاب ۱۳۵۷ در ایران است.

در آن سال مردم به ستوه آمده از دیکتاتوری شاه در جهت رهایی از نکتب سلطنت به مبارزه مستقیم با رژیم روی آوردند. در این مبارزه ائتلاف مختلف اجتماعی هر یک با انگیزه ها و خواسته های مشخص پا به این میدان نفی رژیم گذاشتند. کارگران و تهیدستان جامعه برای رسیدن به یک زندگی بهتر انسانی و پایان دادن به نابرابری های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی در عرضه مبارزه با رژیم گام برداشتند.

بنا بر نظر اکثریت قریب به اتفاق تحلیلگران سیاسی نقش طبقه کارگر برای سرنگونی رژیم شاه با اعصاب سراسری و عمومی غیر قابل انکار است و کارگران ضربه نهایی را بر پیکر رژیم گذشته وارد کردند. اعتصابات کارگران صنایع و کارخانجات بزرگ چون نفت، گاز پتروشیمی، صنایع فولاد، مس و... با هماهنگی و همکاری با فعالین سایر جنبش های اجتماعی در تسریع سرنگونی شاه نقش تعیین کننده ای داشتند. اما بخاطر ضعف سازماندهی نیروی انقلابی کارگران، ضد انقلاب بر موج این اقدام تاریخی سوار و با شعارهای فریبنده، پائین ترین رده اجتماعی یعنی مذهبیین سنتی را بر جامعه حاکم کرد که نتیجه بیش از ربع قرن این حاکمیت، وضعیت فلاکت بار طبقه کارگر و مردم زحمتکش در موقعیت کنونی است.

در آن مقطع با اینکه بخشی از کارگران دارای تشکلات محیط کاری خود بودند، اما در سطح ملی و در پیوند با یکدیگر از هیچ مکانیزمی بهره مند نبودند. و بخاطر همین نقیصه بزرگ به دنباله روی از سایر نیروهای طبقات دیگر کشیده شدند و به جریانی سیال و بی هدف و بی برنامه در تظاهرات خیابانی شرکت داشتند. از طرفی علیرغم تشکیل شوراهای کارگری توسط کمیته های کارخانه ها و اعمال کنترل کارگری بر محیط کار خود، فعالین کارگری بی توجه به مسئله کسب قدرت سیاسی که به مساله روز جامعه تبدیل شده بود، خود را در کارخانه و محل کار خود محبوس کرده و به رفع مشکلات مرکز کاری خود مشغول شدند.

در آن موقعیت که تمامی امکانات جامعه سازماندهی طبقه کارگر در سطح ملی را نوید می داد، در آن مقطع که توازن قوا در کل جامعه بنفع مردم ستمدیده و بخصوص طبقه کارگر بود، در آن زمان که تمامی فعالین مبارز و از جان گذشته در میدان مبارزه حضور فعال داشتند، در وضعیتی که شوراهای انقلابی توسط کارگران و زحمتکشان و سربازان در سراسر کشور سامان یافته بود و کارگران در شوراهای تسخیر قدرت سیاسی در سطح مراکز کاری خود متحد شده بودند، متأسفانه بعلت عدم آگاهی از نیروی بالقوه خود و بعلت عدم سازمانیابی یکپارچه و متحد در سطح محلی و ملی و عدم توجه به مسئله کسب قدرت سیاسی و عدم وجود یک منشور و برنامه منسجم کارگری برای ارائه به طبقه کارگر، کارگران دنباله رو جریانات طبقات دیگر شدند. این جریانات نیز با استفاده ابزاری از نیروی کارگران و زحمتکشان، از آنها بعنوان نردبان صعود به قدرت سیاسی استفاده کردند و روزگار طبقه کارگر و مردم زجر کشیده را به روز سیاه امروز رساندند.

طبقه کارگری که در شکوفایی انقلاب در راس حرکت و هرم جامعه قرار داشت و با اعتصابات شکوهمند خود رژیم شاه را سرنگون کرد، به قعر جامعه سوق داده شد و جای خود را به پائین ترین و عقب مانده ترین قشر جامعه داد. مبارزات امروز مردم در ایران به بهانه تقلب در انتصابات رئیس جمهوری و صحنه هایی که مقابل جثمان ما قرار دارد، یادآور لحظاتی از انقلاب سال ۵۷ است.

اشتباه بزرگی که ما فعالین کارگری (گرچه با خلوص نیت کامل) بخاطر عدم شناخت واقعی نسبت به منافع طبقاتی خود در آن مقطع مرتکب شدیم باعث فلاکت امروزی ما است. طبقه ای بی تشکل، زیر خط فقر، فاقد هر گونه آزادی های سیاسی و اجتماعی و در تحتانی ترین بخش جامعه. آیا این سرنوشت محتوم ما بود و راه نجاتی از این سیاه روزی وجود نداشت؟

در مورد این خطای تاریخی دلایل بسیاری را می توان برشمرد. از جمله، بی توجهی مطلق ما به سازماندهی یکپارچه و متحد کارگران در سطح جامعه، بی توجهی مطلق ما نسبت به خیزش تسخیر قدرت سیاسی و گرفتن سرنوشت خویش به دست خود همگام با متحدان بالقوه طبقه کارگر همچون فعالین سایر جنبش های اجتماعی که در صحنه مبارزه بودند. دنباله روی از نیروها و نهادهای غیرکارگری که با برنامه ای مشخص از طبقه کارگر بعنوان تسمه نقاله برای صعود به قدرت سیاسی استفاده می کردند. و ...

آیا این خطای فاحش را بایستی تکرار کرد؟ آیا نبایستی از آن اقدامات درسی آموخت و حلق آویز گوش کرد؟ آیا باز هم همچون سی سال پیش بایستی با نفی بخشی از سرمایه داران دنباله چه و نردبان ترقی بخشی دیگر از این ز الوصفتان شویم؟ جواب دادن به چنین سئوالاتی بر عهده فعالین راستین طبقه کارگر در ایران است. که بگویند چگونه با اقداماتی عملی می توان از وقوع فاجعه سی سال پیش جلوگیری کرد و اجازه تکرار تاریخ را به نیروهای طبقاتی دیگر نداد و از سقوط مجدد این طبقه به قعر جامعه جلوگیری بعمل آورد.

بنظر من راه نجات جلوگیری از تکرار آن فاجعه در سازمانیابی سریع و یکپارچه کارگران در سطح کشور است. اینک که جناح های مختلف سرمایه برای بهره وری بیشتر از ثروت موجود مشغول جدال با یکدیگرند، اینک که مشغول نشان دادن چنگ و دندان نسبت به یکدیگر هستند، وظایف فعالین کارگری و متحدان آن در ایران ایجاب می کند که از این فرصت طلایی بوجود آمده حداکثر استفاده را بعمل آورند. با کمک سایر فعالین اجتماعی متحد خود، سازماندهی فوری تشکلات مورد نظر کارگران را در دستور کار همین امروز خود قرار دهند. چرا که امکان سازش از بالا وجود دارد و ممکن است فردا خیلی دیر باشد.

کجا هستند، "کارگر نفت ما، مبارزه سر سخت ما"؟ مبارزینی که طی این سال ها در مراکز کاری مختلف اطلاعیه و اعلامیه می دادند چه می کنند؟ آیا در چنین موقعیتی نمی خواهند سر از لاک اطلاعیه دادن بردارند؟ لحظه کنونی احتیاج به عمل انقلابی دارد نه نوشتار انقلابی. سازمانیابی کل طبقه کارگر در مقابل کل سرمایه.

در لحظه کنونی فعالین کارگری در صنایع نفت، گاز، پتروشیمی، صنایع فولاد، ماشین سازی ها، صنایع مس، مجتمع های صنعتی، کارگران پروژه ای و ... وظیفه بسیار سنگینی بر عهده دارند.

امکان اعلام تشکلات مورد نظر کارگران، سازماندهی کارگران در شوراهای انقلابی کارخانجات و محلات، سازماندهی شوراهای کارگاه های کوچک، کارگران بیکار و پروژه ای با افق اتحاد آنان در سطح ملی و با منشور و برنامه مشخص کارگری در جهت تحقق خواسته های آنی و آتی طبقه کارگر از اهم وظائف سنگین فعالین کارگری در ایران است.

لازم است به این ضرورت حیاتی جنبش کارگری در مقطع کنونی جامعه عمل پوشانده شود. و در راستای اتحاد یکپارچه کارگران و جلوگیری از دنباله روی از جریانات سرمایه داری و نیروهای غیر کارگری حد اکثر تلاش را بعمل آورد. ایجاد صف مستقل طبقه کارگر و هم پیمانان آنها از جمله جنبش دانشجویی، جنبش زنان، معلمین، پرستاران، کادر آموزش و پرورش، ملیت ها، نویسندگان و نیروهای مترقی، راه بهره برداری از کارگران توسط بخش دیگری از سرمایه را سد خواهد کرد و امید به پیروزی نهایی را صد چندان خواهد نمود. خود را برای ورود به مصاف بر سر قدرت سیاسی آماده کنیم.

پیش بسوی سازماندهی شورایی و تشکلات مورد نظر کارگران و سایر نیروهای انقلابی در سطح جامعه.

یداله خسروی،

عضو سابق شورای کارکنان نفت و دبیر سندیکای کارگران پالایشگاه تهران

بیست و شش خرداد هشتاد و هشت